

## کار گزاران ایرانی در تمدن اسلامی

• بهناز جلالی پور



■ تاریخ برمکیان  
■ سید صادق سجادی  
■ تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار؛ چاپ اول، ۱۳۸۴،  
۴۹۴ صفحه

مدرس دانشگاه تهران و معاون پژوهشی و فرهنگی مرکز دایر المعارف بزرگ اسلامی و دبیر شورای عالی علمی و مدیر بخش تاریخ این مرکز، دقایقی از چگونگی تألیف «تاریخ برمکیان» با کتاب ماه تاریخ و جغرافیا سخن گفت:

□ چه شد که به تاریخ برمکیان پرداختید؟  
■ در خصوص تاریخ ایران و خاندان‌های حاکم و دیوان‌سالار ایرانی، تاکنون تحقیقات اندکی انجام شده و مکتوبات مستند و عمیق چندانی در این زمینه وجود ندارد. به خصوص درباره ادوار مختلف ایران اسلامی و پیش از آن مطالب مستند چندانی نمی‌توان یافت، که این مسأله خود یک خلاء در بخش تاریخ و تحقیقاتی کشور محسوب می‌شود.

در ایران، پس از ورود اسلام و پاجیری حکومت‌های اسلامی که از سوی بغداد منصوب می‌شدند، برخی خاندان‌ها نقشی اساسی و ویژه‌ای به خصوص در انتقال دیوان‌سالاری پیش از اسلام به دوره ایران پس از اسلام داشتند. خاندان برمکیان یکی از مهم‌ترین آنها محسوب می‌شوند که از اواخر قرن اول در صحنه سیاسی دستگاه خلافت ظاهر شدند.

«خالد بن برمک» از نخستین اعضای این خاندان، در اواخر دوره امویان به صورت پنهانی مبارزات خود را علیه حکومت ضدایرانی امویان آغاز کرد و در عین حال طرفدار عباسیان بود. همین امر موجب شد که با روی کار آمدن عباسیان، این خاندان به تدریج وارد مناسبات سیاسی، نظامی و اقتصادی دستگاه خلافت شوند و تا اواخر دوره هارون الرشید قدرت خود را حفظ کنند. ایشان اثرات سیاسی، فرهنگی و علمی بسیاری در دوره قدرت خود برای ایران و حتی دنیای عرب داشتند. با تمام این

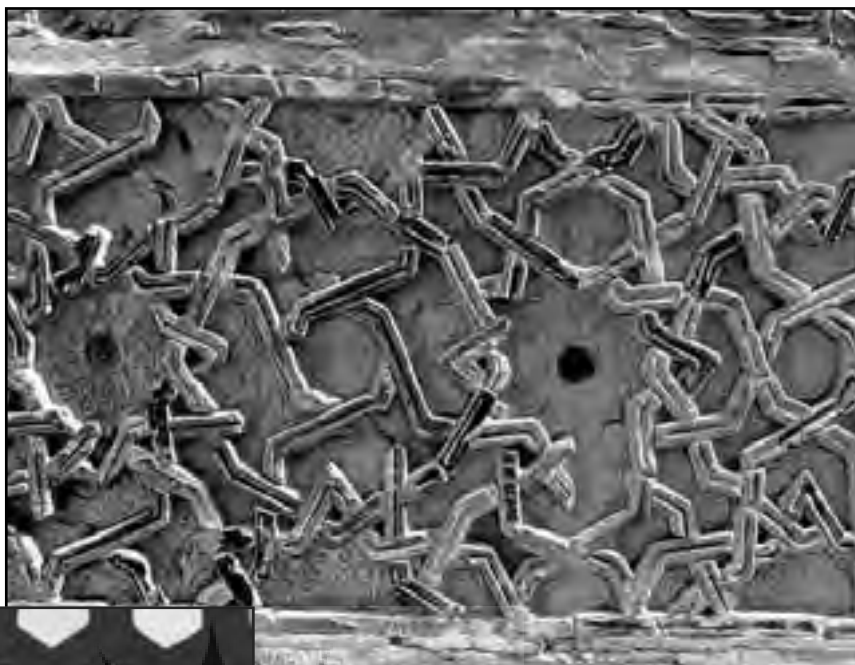
برمکیان و نقشی که این خاندان در تاریخ ایران به خصوص در دوره اسلامی داشته‌اند، بسیار بارز و حائز اهمیت است. این خاندان علاوه بر آن که نقش مؤثری در سقوط و زوال حکومت امویان داشتند، در استقرار حکومت عباسیان و ورود ایرانیان به حیطه سیاست خلفای عرب نیز نقش پررنگی داشته‌اند. آنان علاوه بر نفوذ در سلسله عباسیان، در خارج از ایران و در قلب پایگاه قدرت خلفای عرب نیز نفوذ کردند. هرچند در میان آثار مکتوب چندین به این نقش و چگونگی نفوذ آنان در دستگاه حاکم پرداخته نشده است.

برمکیان، علاوه بر آن که وارد دستگاه سیاسی عباسیان شدند، بوروکراسی اداری و حکومت‌داری ایرانی را نیز وارد دستگاه خلفای عرب کردند و در کنار آن نیز تکیه‌گاهی برای بسط فرهنگ ایرانی برای علاقه‌مندان علم و دانش شدند. کتاب «تاریخ برمکیان» که در سال ۱۳۸۶ به عنوان کتاب برتر سال انتخاب شد، به این دوره مهم می‌پردازد.

دکتر سید محمدصادق سجادی، متولد ۱۳۳۳ کرمانشاه، در کارنامه خود آثاری همچون «سفر برزو به هند و منشاء کلیه و دمنه»، «تصحیح جغرافیای حافظ ابرو»، «تاریخ دولت‌های اسلامی» و «تصحیح دیوان حافظ شیرازی» را دارد و این بار به سراغ «تاریخ برمکیان» رفته است.

وی، که دانش‌آموخته دانشگاه تهران است و دکترای تاریخ و تمدن ملل اسلامی خود را از این دانشگاه اخذ کرده، مهم‌ترین دلیل انتخاب این مقطع از تاریخ ایران را نقش پررنگ خاندان برمکیان در ورود ایرانیان به دستگاه سیاسی خلفای عرب، انتقال بوروکراسی اداری به سیستم حکومت و فرهنگ و تمدن ایرانی به اسلامی و دنیای عرب می‌داند.

عباسیان از ابتدا  
به دلیل آن که با  
حمایت ایرانیان به  
قدرت رسیده بودند،  
توجه بیشتری  
نسبت به ایرانیان از  
خود نشان می دادند



اوصاف و خدمات این خاندان، اکنون، به جز معدودی مقالات قدیمی، اثری جامع و کامل درباره این خاندان وجود ندارد. در حالی که بررسی نقش خاندان برمکیان علاوه بر اهمیتی که این خاندان در ایران و دستگاه خلافت داشتند، می تواند زوایای پنهان حکومت عباسیان را نیز آشکار و روشن کند. با توجه به این مسائل و موارد، تحقیق پنج ساله خود را بر روی خاندان برمکیان و نقش آنان در ایران آن زمان و اثرات حضورشان در دستگاه حکومت آغاز کردم. با تحقیق در این دوره، می توان نقش ایرانیان را در انسجام اداری، سیاسی و اجتماعی خلافت عباسیان به خوبی نشان داد.

□ نقش برمکیان در ساختار حکومت ایران پس از اسلام چیست؟

■ ایرانیان پس از ورود اسلام با وجود آن که مسلمان شدند و دین اسلام را برگزیدند؛ اما همواره به دلیل فرهنگ و تمدنی غنی که نسبت به اعراب داشتند و حس برتری که از این بابت نسبت به اعراب بیابان گرد احساس می کردند، با نظام سیاسی موجود و حاکم که از سوی اعراب بر آنان تحمیل شده بود، مخالف بودند و خواهان حفظ استقلال خود. آنان که از نظر نظامی شکست خورده و ضعیف بودند، همواره سعی داشتند که از نظر سیاسی و فرهنگی در ساختار حکومت و قدرت وارد شوند. ساختار حکومت امویان، ضدایرانی بود و در واگذاری مشاغل و مناصب سیاسی و حکومتی، مجالی برای عرض اندام به ایرانیان و غیراعراب نمی داد. در واقع آنان یک حکومت نژادپرست عرب ایجاد کرده بودند و در منابع جدید نیز از آنان با عنوان «دولت عربی» نام برده می شود. این ضدیت به حدی بود که ایرانیان

را با عباسیان هم نوا کرد. برمکیان، نیز در دوره امویان به طور پنهانی مبارزات خود را علیه آنان آغاز کردند که در نهایت منجر به ایجاد حکومت عباسیان شد.

عباسیان از ابتدا به دلیل آن که با حمایت ایرانیان به قدرت رسیده بودند، توجه بیشتری نسبت به ایرانیان از خود نشان می دادند. هرچند در میان آن ها عرب گراهای ضدایرانی نیز بودند که همواره از قدرت گیری ایرانیان واهمه داشتند و سعی در محدود کردن آنان داشتند. گستره این خصومت را می توان در جنگ مأمون و امین به خوبی دید. ایرانیان، طرفدار مأمون بودند که مادری ایرانی داشت و اعراب از امین حمایت می کردند. این حمایت ها و ضدیت ها، در نهایت موجب برپایی جنگ میان آنان شد.

□ نقش برمکیان در انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی به اسلامی چیست؟

■ برمکیان نقشی یگانه و بزرگ در سازماندهی دستگاه خلافت عباسیان داشتند. آنان با دستگاه دیوان سالاری ایرانی

## برمکیان، در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی نیز نقش به‌سزایی داشتند. آنان پیشرو ترجمه در ایران بودند و در دوره آنان برای اولین بار آثار بسیاری از زبان پهلوی، یونانی و ایرانی به عربی ترجمه شد

تاریخ اسلام به کرات می‌توان دید.

□ ساختار کتاب «تاریخ برمکیان» چگونه است؟

■ تاریخ برمکیان در دو بخش تألیف و تصحیح، تهیه شده است. در بخش اول، به تحقیق در تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تاریخ برمکیان پرداخته شده و استنادات هر کدام نیز در کنار مطالب آمده است. بخش دوم، به تصحیح رساله «اخبار برامکه» می‌پردازد. بعد از قتل برمکیان به دستور هارون الرشید، به دلیل نفوذ معنوی زیادی که این خاندان در میان ادبا و دانشمندان داشتند، برخی درصدد جمع‌آوری و توصیف احوال و حکایات مربوط به این خاندان برآمدند. این نوشته‌ها و منابع در قالب حکایات متنوع و متعددی اشاعه پیدا کرد. بخشی از این روایات نیز توسط افرادی نقل شده است که با این خاندان به طور مستقیم ارتباط داشتند. این منابع طی سالیان بعد به مرور تکمیل شده است. تا این که **عبدالعظیم قریب** سال‌ها قبل مجموعه‌ای از حکایات را جمع‌آوری و چاپ کرد. در مجموعه حاضر برخی از این روایات نیز نقل شده و علاوه بر آن، روایاتی را که متن قبلی فاقد آن بود، نیز دربرمی‌گیرد. مضاعف بر این که حکایات و روایات با منابع تاریخی دقیق تطبیق داده شده و سند آن نیز درج شده است.

در میان روایات، حکایاتی نیز وجود داشت که جنبه افسانه‌ای آن بر تاریخی آن غلبه داشت؛ اما براساس تحقیقات انجام شده، به دلیل آن که وجود همان روایات نیز برمبنای وقایع تاریخی بوده و صحت داشته و تنها در طول زمان در شرح و بیان آن دچار بزرگ‌نمایی شده، در کتاب آمده است.

□ توضیحی درباره روند تحقیق و نگارش کتاب بفرمایید.

■ یکی از منابعی که در نگارش و تحلیل «تاریخ برمکیان» مورد استفاده قرار گرفته، دو جلد نسخه خطی «اخبار برمکیان» بود که یک جلد آن در روسیه و یک جلد آن در هندوستان است. دسترسی به این دو جلد، اندکی زمان کار را بیشتر کرد. پس از آن، مرحله شناسایی و گردآوری ده‌ها منبع مهم به زبان‌های مختلف در خصوص خاندان برمکی آغاز شد و در نهایت کار استخراج، دسته‌بندی و تحلیل مطالب که بسیار زمان‌بر نیز بود، انجام شد. من در این تحقیق اساس کار خود را تنها بر منابع

به طور کامل آشنا بودند و سیستم اداری ساسانیان را نیز به آن دستگاه منتقل کردند و می‌توان گفت که خلفای عرب سیستم حکومت‌داری را از برمکیان فراگرفتند. به همین دلیل بسیاری از مورخان سازمان اداری خلافت عباسی را کاملاً ایرانی می‌دانند. علاوه بر این، برمکیان افراد بسیاری را برای تصدی دستگاه اجرایی و حکومت‌داری در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی تربیت کردند.

برمکیان، در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی نیز نقش به‌سزایی داشتند. آنان پیشرو ترجمه در ایران بودند و در دوره آنان برای اولین بار آثار بسیاری از زبان پهلوی، یونانی و ایرانی به عربی ترجمه شد. دانشمندان، ادبا و شعرا در این دوره به شدت حمایت می‌شدند و برمکیان نیز نزد این گروه اعتبار و جایگاه خاصی داشتند. کما این که خود نیز در این زمینه پیشرو بودند. فضل و یحیی برمکی خود از ادیبان درجه اول بودند و این نکته از نامه‌ها و اشعاری که از آنان برجای مانده به خوبی قابل درک است. تأثیر برمکیان بر دنیای عرب به حدی بود که بسیاری از غذاها و پوشاکی که در بغداد مورد استفاده قرار می‌گرفت و رایج بود، مبدع و مروج آن برمکیان بودند. در واقع ساختار دیوان‌سالاری را برمکیان وارد سیستم حکومت‌داری خلفا کردند.

□ وزیرکشی یک بدعت است یا ادامه یک سنت؟

■ آن‌چه در تاریخ برمکیان و عباسی بسیار به چشم می‌خورد، رسم وزیرکشی است. هنوز نمی‌توان دلیل علمی و مشخصی برای آن تعیین کرد؛ اما می‌توان گفت مجموعه دلایلی که تاریخ‌شناسان در این خصوص می‌گویند، می‌تواند صادق باشد. مهم‌ترین دلیلی که می‌توان در این زمینه گفت، میزان نفوذ برمکیان در دستگاه حکومت بوده است.

قدرت و حفظ آن به گونه‌ای است که اجازه حضور و فعالیت رقیب را نمی‌دهد. در حالی که برمکیان به تمام زوایای حکومت عباسیان وارد شده بودند و بر آن تسلط داشتند. عزل و نصب حکام ولایات توسط آن‌ها انجام می‌شد و سیستم اداری، اقتصادی و سیاسی نیز در دست آن‌ها بود. حاکم هیچ‌گاه تحمل چنین رقیب پر قدرتی و بانفوذی که منصب وزارت را نیز داشته باشد، نخواهد داشت. همان‌طور که سابقه چنین رفتاری را در

## کتاب تاریخ برمکیان در دو بخش تنظیم شده است. یک بخش تحقیق در تاریخ حیات سیاسی و فرهنگی این خاندان و بخش دوم نیز تصحیح رساله‌ای کهن درباره تاریخ برمکیان

تاریخی قرار ندادم؛ بلکه از منابع ادبی نیز بهره بردم.

□ تاریخ برمکیان، در حوزه تاریخ‌نگاری و آموزش شیوه تحقیق چه تأثیری دارد؟

■ این کتاب، سعی دارد بخشی از خلاء موجود در زمینه منابع برای دانشجویان را بپوشاند. بسیاری از دانشجویان، در خصوص شناخت منابع، موضوع و چگونگی تحقیق و پژوهش دچار مشکل هستند و آشنایی درستی با آن ندارند. در این کتاب منابع بسیاری که از آنان استفاده شده، نام برده شده که خود می‌تواند یک منبع برای دانشجویان و اهل تحقیق باشد. در عین حال این کتاب می‌تواند آغازگر تحقیقات وسیع‌تر و گسترده‌تری در دیگر زمینه‌ها باشد. گمان بسیاری بر این است که در تحقیقات تاریخی، تنها تکیه بر منابع تاریخی کفایت می‌کند. حال آن که بسیاری از اطلاعات و منابع قابل اعتماد را می‌توان از میان کتب و آثار ادبی استخراج کرد که در منابع تاریخی موجود نیست. در واقع باید یک تغییر نگرش کلی در خصوص منابع ایجاد شود و آن را محدود به منابع تاریخی ندانیم.

یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب، ارائه اطلاعات و منابعی است به زبان‌های غیرایرانی به خصوص عربی، که به دلیل قدیمی بودن، تاکنون ناشناخته بوده و یا آن که دسترسی به آن برای عموم مشکل و غیرممکن بوده است. این کتاب بستر دستیابی به این منابع را که در خصوص صحت آن‌ها تحقیق شده را فراهم کرده است.

### معرفی کتاب

کتاب تاریخ برمکیان در دو بخش تنظیم شده است. یک بخش تحقیق در تاریخ حیات سیاسی و فرهنگی این خاندان و بخش دوم نیز تصحیح رساله‌ای کهن را درباره تاریخ برمکیان دربردارد. در ابتدای کتاب، یادداشت واقف چاپ شده است. این یادداشت کلی در آغاز همه کتاب‌های بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی درج می‌شود.

منابع تحقیق برمکیان بر دو دسته اند: الف - اخبار تاریخی به مفهوم عام که متناسب با اهمیت این خاندان و نقش اساسی ایشان در طرح‌ریزی سازمان سیاسی و اداری و حیات اجتماعی آن دوره، و در دوره‌های زمانی مختلف وارد آثار مکتوب شده

است. ب - روایات داستانی تاریخی درباره برمکیان که باید آن‌ها را نوعی تاریخ خاندان یا دودمانی به شمار آورد.

**فصل نخست کتاب برمکیان شامل ۴ بخش است:**  
برمک، بلخ و نوبهار، برمکیان و نوبهار و فتح بلخ به دست مسلمانان عرب. واژه برمک در غالب منابع کهن، لقب عمومی متولیان معبد نوبهار بلخ است. البته میان نویسندگان مختلف اختلاف‌نظرهایی موجود است. بعضی از محققان اصل این واژه را در متون خنتی و تبتی و مأخوذ از شکل سانسکریت بودایی به معنای رئیس صومعه، پیشوا می‌دانند که به عنوان لقبی برای پیشوای روحانیت بودایی استفاده می‌شد. بلخ یکی از کهن‌ترین شهرهای خراسان و از مهم‌ترین مراکز تمدنی ایران و محل برخورد فرهنگ‌ها و آیین‌ها و آداب و اندیشه‌های آسیای غربی، میانه و دور به شمار می‌رفت. در کتیبه بیستون داریوش، بلخ از جمله ممالک قلمرو داریوش شمرده شده و با عنوان بلخ یا باختیش از آن نام برده شده است. درباره معبد نوبهار بلخ، ریشه این واژه و آئین رایج در آن گزارش‌های متفاوتی از نویسندگان مختلف وجود دارد. در جایی آمده است که برمک در بلخ آ تشکده‌ای ساخت و آن عمارت را شادیه مکه یا نوبهار برمک خواندند.

در پایان این فصل به فتح بلخ به دست مسلمانان عرب اشاره شده است. درباره فتح بلخ به دست مسلمانان و گرایش برمک به اسلام، نکته‌های مبهم و تاریکی نهفته است. برخی معتقدند بلخ در پی فتح خراسان در روزگار خلافت عثمانی به دست مسلمانان افتاد. برمک جد خالد به اسلام گرایش یافت و به مدینه رفت و اسلام آورد و عثمان نام وی را عبدالله نهاد. با اعتراض ترخان فرمانروای ترکستان به دلیل پذیرش اسلام توسط برمک روبه رو گشت و وی کشته شد. همسر وی همراه کودکش به کشمیر رفت و فرزندش طب، نجوم و حکمت آموخت. علی‌رغم تمام این روایات، نظریات متفاوتی در این خصوص مطرح است.

در **فصل دوم** نویسنده به ذکر موقعیت و مناصب برمکیان در دستگاه خلافت پرداخته است. خالد بن برمک دومین عضو شناخته‌شده و بلندپایه برمکیان در دستگاه خلفاست و بنیانگذار دولت و قدرت برمکیان. وی در سال ۹۰ قمری زاده شد. مادرش از شاهزادگان سلسله محلی چغانیان بود. خالد از کودکی

## واقعه سقوط برمکیان و قتل جعفر، با آن انس و پیوندی که هارون با وی داشت، از حوادث شگفت‌انگیز تاریخ اسلام محسوب می‌شود

درباره سیاست جعفر بر دیوان خاتم در منابع آمده است که خاتم نخست در اختیار فضل بود که نیابت وزارت داشت. سپس یحیی برمکی به اشاره هارون، آن خاتم از دست راست به دست چپ کرد و آن را از فضل گرفت و به جعفر داد. از مشاغل دیگر وی، ریاست کل برید و ریاست دارالضرب‌ها بود گویا سپهسالار یا صاحب‌الجیش نیز بوده است. برمکیان طی حدود ۱۸ سال وزارت، در اوج قدرت سپری بودند و بر امور کشور تسلط و سیطره‌ای بی‌مانند داشتند.

**فصل سوم** به سقوط برمکیان و علل و عوامل آن اختصاص دارد. واقعه سقوط برمکیان و قتل جعفر، با آن انس و پیوندی که هارون با وی داشت، از حوادث شگفت‌انگیز تاریخ اسلام محسوب می‌شود. در روایات آمده است، جعفر، در مجلس عیشی که هارون ترتیب داده بود، شرکت کرد. در آنجا شخصی به نام مسرور از طرف هارون مأمور قتل جعفر بود و در این کار موفق شد. در همان شب که جعفر را به قتل رساندند، یحیی و تمام فرزندان وی را گرفتند و املاک و اموالشان را مصادره کردند. بسیاری از برمکه را کشتند و یحیی و فضل را حبس کردند. مرگ یحیی در سال ۱۸۹ در زندان در سن ۷۰-۷۴ سالگی رخ داد. فضل نیز در سال ۱۹۳ در سن ۴۵ سالگی دار فانی را وداع گفت. درباره چیرگی و سیطره امور به دست برمکیان روایات مختلفی بیان شده است. در جایی آمده که هارون هیچ تصرفی در حکومت نداشت و کارها همه به دست برمکیان بود که برخی از منابع دیگر آن را نفی می‌کنند. با توجه به آنچه درباره تصرفات خلیفه در امر حکومت گفته شده، نمی‌توان گفت برمکیان در امور ملکداری مطلق‌العنان بودند؛ گرچه بی‌گمان موقعیت خاصشان، ثروت، قدرت و شوکت بسیار برایشان به بار آورده بود؛ به‌گونه‌ای که بهانه‌ای قوی به دست حاسدان و دشمنان داده بودند تا خلیفه را بر ضد آنها برانگیزد. از مهم‌ترین دشمنان برمکیان که او را یکی از عوامل اصلی سقوط برمکیان نیز می‌دانند، فضل بن ربیع است. وی پس از برمکیان مقام وزارت یافت. پس از رسیدن به این مقام علیه برمکیان برخاست و همواره برمکیان را به استبداد و دست‌اندازی بر اموال دولت متهم می‌کرد.

در بخش آخر این فصل به داستان ازدواج جعفر و عباسه اشاره شده است. جعفر با اصرار هارون، عباسه (خواهر هارون) را به همسری گرفت. روایات مختلفی درباره این ازدواج وجود

با مسلم بن عبدالملک انس داشت و همپای وی رشد یافت. پس از آن که ابراهیم امام رشته دعوت را به دست گرفت و بکیر بن ماهان را به نزد داعیان و نقیبان در خراسان فرستاد، خالد در جرجان به همراه دیگر داعیان خود را مطیع ابراهیم خواند و به تبلیغ، دعوت و ایجاد ارتباط میان طرفداران عباسیان پرداخت. یکی از وظایف وی جمع‌آوری پول از طرفداران قیام و ارسال آن اموال به نزد ابراهیم بود. وی در برخی از جنگ‌های عباسیان شرکت داشت.

خالد وزیر سفاح جانشین ابومسلمه خلال بود. پس از جلوس منصور، خالد در موقعیت خود باقی ماند. منصور در بسیاری از امور با خالد رایزنی می‌کرد. یکی از خدمات برجسته خالد به منصور، خلع عیسی بن موسی خلیفه از ولایتعهدی و تعیین مهدی به جانشینی او بود. ابویوب یکی از مخالفین خالد به حساب می‌آمد و بر اثر دسیسه‌چینی‌های وی، منصور خالد را به ولایت فارس فرستاد؛ اما خالد توانست با زیرکی و ذکاوت خود را از هر نوع اتهامی میرا سازد. وی اقدامات ارزنده‌ای انجام داد و در اولین عصر خلافت مهدی حکومت ری را یافت. یحیی بن خالد نیز سررشته کارها و امور هارون ولیعهد دوم مهدی را برعهده داشت.

نیرومندترین و معروف‌ترین وزیر در سراسر خلافت عباسی یحیی بود. وی از جوانی با امور سیاسی و ملک‌داری آشنا و متولی بعضی مناصب و مشاغل بلندپایه بود. یحیی رئیس رسائل شد. بعضی از منابع او را وزیر و کاتب و نایب هارون می‌دانستند. از زمانی که هارون به خلافت نشست، یحیی را به وزارت برگزید. و وی را پدر خطاب می‌کرد. یحیی تنها لقب و منصب وزارت نداشت؛ بلکه لقب امیر و منصب امارت نیز داشت و اولین امیر وزیر بود حتی خاتم خلافت نیز در اختیار وی بود.

پس از یحیی فرزندش فضل که در محیط سیاست و حکومت پرورش یافته بود، رهرو راه پدر شد. از جوانی مشاغل حساس داشت، فضل به عنوان نایب و قائم‌مقام پدر به کار پرداخت و بدین دلیل او را (وزیر کوچک) می‌خواندند. جعفر در سال ۱۴۳ زاده شد. اولین شغل رسمی او در ایام هارون الرشید، ظاهراً اداره امور دربار خلافت بود. جعفر در بازگشت فضل از خراسان، خواهان خراسان شد و به رغم مخالفت‌های هارون، سرانجام ولایت خراسان به وی واگذار شد.

## نقش و تأثیر عظیم برمکیان را در رهبری دولت براساس سازمان اداری، مالی و سیاسی که خود ایجاد کردند، باید به عنوان طرحی نو در بسیاری از زمینه‌های ساختار سیاسی و اداری حکومت تلقی کرد

دارد. در حکایتی آمده است که شرط هارون برای ازدواج جعفر و عباسه، عدم نزدیکی آن‌ها با یکدیگر بود. در طی ۷ سال ۳ فرزند از عباسه به دنیا آمد که به دلیل شرط هارون، فرزندان ایشان در مدینه می‌زیستند. هارون پس از اطلاع از وجود فرزندان ایشان، به قتل و حبس جعفر اقدام کرد. این داستان مورد قبول راویان معتبر اخبار برمکیان نیست و از جمله روایات شایع در افواه مردم بوده است که دلیل و وجهی برای سقوط برمکیان نمی‌یافتند.

دارد. در حکایتی آمده است که شرط هارون برای ازدواج جعفر و عباسه، عدم نزدیکی آن‌ها با یکدیگر بود. در طی ۷ سال ۳ فرزند از عباسه به دنیا آمد که به دلیل شرط هارون، فرزندان ایشان در مدینه می‌زیستند. هارون پس از اطلاع از وجود فرزندان ایشان، به قتل و حبس جعفر اقدام کرد. این داستان مورد قبول راویان معتبر اخبار برمکیان نیست و از جمله روایات شایع در افواه مردم بوده است که دلیل و وجهی برای سقوط برمکیان نمی‌یافتند.

**عنوان فصل چهارم، «دین و دانش در عصر برمکیان»** است. بخشی از اتفاقاتی که بر برمکیان وارد شد، به دلیل اعتقادات بنیادین دینی آنها بود که منشأ کنایه و طعنه به این خاندان شد.

در روایتی آمده است، پس از قتل جعفر، شاعری، برمکیان را نامسلمان و آبادکننده نوبهار خواند و یحیی را ساحر و کافر نامید. در داستان دیگری حکایت شده، بعضی از دهقانان از یحیی خواستند نوروز را دو ماه به عقب بيفکنند و یحیی پذیرفت و مردم نتیجه گرفتند این عمل وی ناشی از تعصبش در مجوس‌گری است. صحت این داستان با شواهدی درباره ساخت مساجد به دست برمکیان و نماز گزاردن آنها تا حدی فسخ و نفی می‌شود. در ادامه این فصل به ارتباط برمکیان و علویان و روایات ضد و نقیضی در این باره پرداخته شده است. یکی از این روایات به رابطه نزدیک بین علویان و برمکیان اشاره شده و در گزارش هایی به رابطه معارض و مخالف برمکیان با علویان اشاره شده است.

برمکیان نه تنها در مورد ایرانیان بلکه درباره دیگران نیز بخصوص در عراق و حرمین شریفین خدمت‌ها و نیکی‌ها کردند و بازماندگان مهاجر و انصار را محترم می‌شمردند. نقش و تأثیر برمکیان در سیاست، ادب، علم و هنر در این عصر چندان آشکار است که گزافه نیست اگر آن را «قرن برمکیان» بنامیم. برمکیان دیوانیان ادیب و ادب پرور و شاعر و سخنور بودند. یحیی انجمن ادبی تأسیس کرد و آن را «دیوان الشعرا» نام نهاد. جعفر برمکی مردی ادیب، نویسنده و سخن‌شناس و آگاه به دقائق فصاحت و بلاغت بود.

نویسنده در این فصل به نهضت‌های علمی ترجمه، پزشکی و نجوم نیز اشاره می‌کند. نهضت ترجمه مهم‌ترین

واسطه انتقال آثار و دانش ایرانی و هندی و یونانی به جهان اسلام بود. ترجمه آثار هندی و هندشناسی از زمینه‌های مورد علاقه برمکیان بود. باید اذعان کرد که برمکیان با علوم روزگار خویش آشنایی کامل داشتند و می‌توان به عنوان افراد فرهیخته و صاحب علوم از آنان نام برد.

نویسنده در **فصل پنجم**، به بررسی اخلاق و ادب و امور اجتماعی برمکیان پرداخته است. در این بخش نویسنده به بررسی و تأثیر فضایل و خصایل اخلاقی برمکیان در ادبیات منثور و منظوم نیز می‌پردازد. از این دوره بسیاری از کتب ادبی و داستانی و تاریخی باقی مانده از جمله کتاب اخبار آل برمک، تاریخ برمکه و... بسیاری از نویسندگان به کارهای عمرانی و ابنیه در این دوره اشاره کرده‌اند و فعالیت‌های عمرانی برمکیان را قابل توجه‌تر از فعالیت‌های عمرانی دولت‌مردان دیگر می‌دانند.

نقش و تأثیر عظیم برمکیان را در رهبری دولت براساس سازمان اداری، مالی و سیاسی که خود ایجاد کردند، باید به عنوان طرحی نو در بسیاری از زمینه‌های ساختار سیاسی و اداری حکومت تلقی کرد. مکتب دیوان‌سالاری برمکیان توسط دیوانیانی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم، تربیت‌شدگان همان مکتب بودند، ادامه یافت و تأثیرات مثبت خود را با فراز و نشیب‌هایی حفظ کرد. فروپاشی خاندان و دشمنی خلیفه با برمکیان موجب پراکندگی و عزلت‌گزینی بازماندگانشان در شهرهای دور و نزدیک شد.

سجادی در بخش پایانی فصل پنجم، سکه‌های برمکیان را مورد مطالعه قرار داده است. سکه‌های متعددی از یحیی و فضل، به ویژه جعفر در دست است. جعفر سال‌های طولانی ریاست دارالضراب را بر عهده داشت.

**فصل ششم**، به رساله اخبار برمکیان اختصاص دارد. این رساله از دو حائز اهمیت است: ۱- از لحاظ تاریخی، شیوه داستان‌گویی و تلقی عامه از احوال اجتماعی و سیاسی آن عصر ۲- از لحاظ زبان ادبی که گاه بسیار دشوار و ثقیل و گاه بسیار سهل است.

از نکات قابل توجه و ارزنده کتاب مذکور، دارا بودن فهرست اعلام است.